

اصلی مسأله دولت ملت است. دولت گام اولیه‌اش را برداشته است. حرف من این است کسانی که در این سرزمین زندگی می‌کنند باید همه بالسویه عرق وطن داشته باشند و نسبت به آن احساس مسئولیت کنند و به مشارکت گرفته شوند. آنها باید احساس کنند از حقوق یکسان و برابر برخوردارند. باید ملاک تصمیم‌گیری درباره افراد ایرانی بودن و شایسته بودنشان باشد. من فکر می‌کنم باید شکاف‌هایی که در جامعه وجود دارد را از بین ببریم. دومین شکافی که به اعتقاد من وجود دارد و اگر به عنوان یک دولتمرد نسبت به آن چشم پوشی کنم خیانت کرده‌ام اعتماد مردم به دولت و خیلی از نهادهای حکمرانی است. معتقدم تا فاصله دولت و ملت کم نشود و درک و مفاهمه بهتری با یکدیگر نداشته باشند؛ نخواهند توانست روندهای توسعه این سرزمین را بهبود بدهند.

◀ آن دستاورد ۲۵ درصدی اهداف برنامه‌های توسعه یعنی ما بدون اینکه به گذشته نگاه کنیم فقط به آینده نگاه کردیم و مدام سیاست‌گذاری و برنامه ریزی کردیم. بدون اینکه توجه کنیم آن برنامه اجرا می‌شود یا نه. فکر می‌کنم برای آینده و برای بهبود شرایط نیاز به بازنگری داریم. به نظر شما ظرفیت چنین بازنگری در عرصه سیاسی ما هست؟

من این چند روز کتاب آقای فراس‌تخواه «کنشگری مرزی» را می‌خواندم. خوب سؤال شما کاملاً برگرفته از آنجاست. ابتدای کتابش هم با آشنایی زیادی و بدیهی بودن داستان شروع می‌شود. اینکه یک پای داستان‌مان کاملاً در گذشته باشد و باید شناختی از گذشته داشته باشیم. تحلیل درست از امروز داشته باشیم و برای آینده تصمیم درست بگیریم.

وقتی شما یک سؤال کلی از من می‌پرسید که آیا به نظر شما این ظرفیت در دیگران وجود دارد؟ من می‌گویم شاید وجود داشته باشد شاید هم نه. می‌دانم که در دولت این ظرفیت وجود دارد و ما در ارکان دولت باید این ظرفیت را بوجود بیاوریم.

باید گفت‌مان سازی کنیم و در ارکان حکمرانی نسبت به گذشته بازنگری داشته باشیم. اینکه تا امروز چه کرده‌ایم؟ نقاط عطف مان چه بوده؟ مشکلات قدیمی مان چه بوده؟ در این مسیر کنشگری اگر آقای پزشک‌یان نقاط شکست و قوت آقایان هاشمی و

روحانی و دیگران را نبیند در طراحی مسیر پیش رو دچار مشکل خواهد شد. اگر داریم برای نظام کلان کشور برنامه‌ریزی می‌کنیم اگر گذشته را نبینیم چطور می‌توانیم برای آینده برنامه ریزی داشته باشیم؟ مبنای برنامه ریزی کلاسیک شناخت وضع موجود، ارزیابی گذشته و برنامه ریزی برای آینده است. به عنوان یک دولتمرد با سؤال شما خیلی کاری ندارم. من آمده‌ام یک مسئولیتی را به دست گرفتم و با خودم کار دارم. اینکه چقدر به این متن وفادار هستم که آسیب‌شناسی کنم، شناخت پیدا کنم و ظرفیت آینده‌نگری‌ام را تعمیق کنم.

در مسیر این بازنگری و آسیب‌شناسی چرا نباید درباره گذشته‌مان حرف بزنیم و چرا احساس می‌کنیم نقد گذشته یعنی نقد نظام؟ به اعتقاد من اینها تابوهای است که ما ساختیم و یکسری زنجیرهای فولادی به پیمان بسته‌ایم که نتوانیم آینده را درست پیش‌بینی کنیم. عده‌ای دوست دارند با حفظ این وضع موجود و عدم رجوع ما به گذشته در همین فضا باقی بمانیم. به اعتقاد من نقطه عزیمت آسیب‌شناسی نقاط ضعف مان یکی این است که بدانیم وزیر، رئیس‌جمهور،



چرا نباید درباره گذشته‌مان حرف بزنیم و چرا احساس می‌کنیم نقد گذشته یعنی نقد نظام؟ به اعتقاد من اینها تابوهای است که ما ساختیم و یکسری زنجیرهای فولادی به پیمان بسته‌ایم که نتوانیم آینده را درست پیش‌بینی کنیم. عده‌ای دوست دارند با حفظ این وضع موجود و عدم رجوع ما به گذشته در همین فضا باقی بمانیم. به اعتقاد من نقطه عزیمت آسیب‌شناسی نقاط ضعف مان یکی این است که بدانیم وزیر، رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضاییه و مقننه هم می‌توانند خطا کنند

رئیس قوه قضاییه و مقننه هم می‌توانند خطا کنند.

اینکه ما به این خطاها بپردازیم اصلاً مساوی با دست گذاشتن روی نقطه ضعف یک نظام سیاسی نیست. بلکه نقطه قوت‌اش است.

ما داریم نقاط ضعف را بررسی می‌کنیم تا مسیر آینده را طراحی کنیم. لذا عده‌ای که دارند سعی می‌کنند ما به این خطاها رجوع نداشته باشیم در واقع باعث می‌شوند ما بیشتر از روند توسعه کشور انحراف داشته باشیم. در کشور ما مداخلات و موازی کاری دستگاه‌ها و نهادها بیش از حد زیاد بوده است. اگر می‌خواهیم کشور به جایی برسد و رضایتمندی مردم به مفهوم واقعی ایجاد شود و اگر می‌خواهیم ایران را قدرتمند کنیم و قدرتمند هم نگهش داریم، باید از این مخاطرات بگذریم.

تنها راه حل آن هم مواجهه شدن با مسائل به صورت کاملاً واقعی است. من می‌گویم ایران مسأله است. با مسأله ایران هم باید خیلی رودررو و صادقانه مواجه شویم تا بتوانیم کالبدشکافی کرده و راهکار پیدا کنیم.

من به عنوان یک بازیگر جزء سعی می‌کنم در این پازل درست بازی کنم و البته می‌کنم که سایر دستگاه‌ها و نهادها به سمت گذشته خودشان بروند. اصلاً ایرادی نمی‌بینم مثلاً آقایان اژه‌ای، قالیباف و پزشک‌یان هم دست به نقد خودشان داشته باشند و نقاط ضعف و قوت خود را احصا کنند؛ هم نسبت به پیشینیان خود یک نقد عادلانه داشته باشند تا در همه قوا ما به مفهوم واقعی خودمان را تقویت کنیم.

◀ جامعه چه می‌خواهد؟ موقعیت یا وضعیت یا جامعه ایده‌آلی که ما باید داشته باشیم چگونه است؟ یک تصویر در این رابطه به ما بدهید به تعبیری جامعه ایده‌آل در قرن پیش‌رو چگونه است؟

جامعه به مفهوم خیلی ساده دنبال یک زندگی نرمال و عادی است. این زندگی عادی شامل همه شاخص‌های سخت افزاری و نرم افزاری می‌شود. برخی دوستان اعلام می‌کنند که مردم مشکل شان فقط معیشت است. به اعتقاد من اینگونه نیست. ما مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و موضوعات حوزه امنیت را داریم. همه اینها را مردم مطالبه می‌کنند.

دموکراسی حداقل دو اصل دارد یکی مالیات و دیگری حق رأی مردم است. آنها مالیات را پرداخت می‌کنند و در انتخابات هم شرکت می‌کنند اما موضوع